

بررسی تأثیرات جدایی‌گزینی اکولوژیک بر امنیت پایدار اجتماعی

(مطالعه موردی: شهر عنبرآباد)

علی حاجی‌نژاد^۱، حسین یغفوری^۲، ابودر پایداری^۳، امیرارسلان سنجری^۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۳/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۲۰

از صفحه ۳۵ تا ۶۰

پژوهشنامه جغرافیای انظامی

سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴

چکیده

جدایی‌گزینی اکولوژیک یکی از مباحث مطرح در حوزه امنیت پایدار اجتماعی نواحی شهری می‌باشد. شهر عنبرآباد یکی از شهرهای کوچک جنوب استان کرمان است که محله‌های مسکونی آن از بافت اجتماعی خویشاوندی برخوردارند. در سال‌های اخیر مهاجرت اقوام ساکن در نواحی بیرونی مسائل اجتماعی به‌ویژه محله‌گرایی و جدایی‌گزینی اکولوژیک را در این شهر سبب شده‌است. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیرات جدایی‌گزینی اکولوژیک و محله‌گرایی بر پایداری اجتماعی، سیاسی و امنیت پایدار شهر عنبرآباد است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و جامعه آماری ساکنان محله‌های مختلف شهر عنبرآباد می‌باشد. حجم جامعه نمونه طبق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از ساکنان محله‌های مختلف شهر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و تصادفی انتخاب شدند. شاخص‌های پایداری و ناپایداری اجتماعی شناسایی شد و مبنای جمع‌آوری داده‌ها و وزن‌دهی به شاخص‌ها قرار گرفت که در فرایند مدل کوپراس مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان‌داد محله شهرک خداآفرین، محله شهرک امام(ره)، محله ترک‌ها و محله نماشیری‌ها بالاترین میزان جدایی‌گزینی را دارند. همین محله‌ها نیز بیشترین میزان برخورداری بین‌طایفه‌ای و جانبداری سیاسی را دارند. محله یزدی‌ها، افشارها و ساردویی‌ها به‌ترتیب کمترین میزان جدایی‌گزینی را داشته‌اند. نتایج مدل کوپراس نشان داد شهرک خداآفرین (۷۴،۵۵)، محله نماشیری‌ها (۷۷،۵۱) و شهرک امام(ره) (۸۱،۶۵) بدترین وضعیت را به‌لحاظ شاخص‌های امنیت پایدار اجتماعی دارند. محله یزدی‌ها (۱۰۰)، افشارها (۸۶،۳۹) و ساردویی‌ها (۸۵،۲۰) نیز به‌ترتیب مطلوب‌ترین وضعیت را نشان می‌دهند. باتوجه‌به نتایج پژوهش می‌توان فرضیه تحقیق را تأیید کرد و چنین نتیجه گرفت که مسئله جدایی‌گزینی اکولوژیک در محله‌های شهر عنبرآباد تأثیرهای منفی بر پایداری اجتماعی و امنیت پایدار محله‌های مسکونی این شهر دارد.

کلیدواژه‌ها: اکولوژی اجتماعی، محله‌گرایی، پایداری اجتماعی، امنیت پایدار، مدل کوپراس، شهر عنبرآباد.

۱- دانشیار دانشگاه گیلان.

۲- استادیار دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۳- استادیار دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی دانشگاه سیستان و بلوچستان. (نویسنده مسئول) aboozarpaidar@gmail.com

۴- دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان.

مقدمه

از دیرباز ماهیت شهر در پژوهش‌های اجتماعی محل بحث بسیاری از جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و محققان بوده‌است. شهر به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی نمایان‌کننده شرایط اقلیمی و طبیعی و آرایه‌کننده مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه است (یوسفی فر، ۱۳۸۴: ۲۲۹). توسعه پایدار فضاهای شهری از یک‌سو با مفاهیم، عناصر و ابعاد کالبدی- فضایی، عمرانی، و محیطی و از سوی دیگر با مسائل و ابعاد اجتماعی- اقتصادی در ارتباط است. اما در این میان پایداری اجتماعی و امنیت به‌عنوان لازمه و مبنای سایر ابعاد توسعه پایدار شهری مطرح است. از این‌رو، در نظام برنامه‌ریزی شهری نوین جدا از طرح‌های توسعه، عمران و مدیریت فضا ریشه‌یابی بحران‌های اجتماعی و مدیریت امنیت اجتماعی بیش از اندازه محسوس است. ساختار اجتماعی شهرهای ایران به‌خصوص در مناطق حاشیه‌ای کشور و شناخت بحران‌های ناشی از تقابل گروه‌های اجتماعی، اجتماعات قومی، رشد سریع جمعیت و تحولات فرهنگی نوع جدیدی از پذیرش حقوق مدنی را ایجاد می‌کند که بتواند از بحران‌های اجتماعی جلوگیری کرده و در توسعه و تحول شهرها و یکپارچگی ملی مؤثر واقع گردد (نظریان، ۱۳۸۸: ۴-۵).

امروز زندگی اجتماعی در اکثر شهرها مرزهای جغرافیایی، نژادی و قومی را درنور دیده و نوگرایی را برای شهروندان به ارمغان آورده‌است. از سویی دیگر، عوامل اقتصادی و شکل‌گیری گروه‌های متفاوت درآمدی در شهرها با مسائل اجتماعی همچون ایجاد فواصل اجتماعی فزاینده، ناهمگنی ساختار جمعیت، جدایی‌گزینی فضایی و... توأم شده‌است. متعاقب چنین مسائلی واژگانی چون «شمال شهر» و «جنوب شهر» و یا محله‌بندی، لایه‌بندی و مرزبندی‌های اجتماعی در شهرهای کشور پدید آمده‌است (محمدی ده‌چشمه، ۱۳۹۱: ۱۴). نظریه اکولوژی شهری، که به تبیین چنین گروه‌بندی‌ها و جدایی‌گزینی‌ها می‌پردازد، در مورد رابطه و تعامل موجودات زنده با شهر یا جامعه شهری شده یا تعامل آن با سایر عناصر اجتماع بحث می‌کند (www.urbaneco.org، ۲۰۱۰). در چارچوب همین موضوع مهاجرت گروه‌های انسانی و اسکان آنها در محله‌های خاص فضاهای شهری به‌عنوان مرحله بنیادین جدایی‌گزینی اکولوژیک قابل تبیین است؛ عاملی که خود بر موضوعاتی چون پایداری اجتماعی و امنیت فضاهای شهری تأثیرگذار است. جدایی‌گزینی اکولوژیک مرحله‌ای دارد و عمدتاً بر مهاجرت، جابه‌جایی، اسکان، تثبیت و... تأکید دارد.

مهاجران با کسب اطلاعات اولیه در مورد شهر مقصد محل سکونت خود را براساس الگوی متناسب با اوضاع اجتماعی و اقتصادی خود برمی‌گزینند. این مکان‌گزینی ممکن است متأثر از علقه‌های قومی و نژادی بوده که در این صورت مهاجر تازه‌وارد منطقه‌ای را برای سکونت انتخاب خواهد کرد که اکثریت اهالی زادگاهش در آنجا ساکن هستند و به این ترتیب باعث تقویت گتوهای کوچک یا بزرگ قومی و یا نژادی می‌شود (مرصومی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۷). زمانی که گروه‌های مهاجر در یک ناحیه تمرکز پیدا می‌کنند به این دلیل است که در آن منطقه یک امتیازاتی برای آن قوم به واسطه حضور آشنایان وجود دارد درحالی‌که در آینده با تداوم سیر مهاجرت بخشی از مردم هر قوم و طایفه در مناطق مختلف شهر پخش می‌شوند (Pilpott, ۱۹۸۷). در کوتاه‌مدت ممکن است تمرکز گروه‌های قومی سبب تفاوت‌های فرهنگی در شهر شود درحالی‌که در بلندمدت این تفاوت‌های فرهنگی از بین می‌رود (Boal ۲۰۰۵, Peach ۱۹۹۶). این درحالی است که استراتژی درست افزایش انتقال و یا توزیع عمومی اقوام در نواحی مختلف شهر می‌باشد. لذا، این مهم است که تفاوت قائل شویم بین کسانی که به صورت اتفاقی در شهرها ساکن شدند و کسانی که همراه با اقوام برای منفعت خود در شهر ساکن شده‌اند (walks & Larry Bourne, ۲۰۰۶: ۲۷۶).

مهاجرت را می‌توان مرحله‌ای از مراحل اکولوژی اجتماعی دانست. به این ترتیب که مهاجران با هجوم به شهر مقصد باعث تقویت گروه‌های هم‌نژادی، قومی و اقتصادی می‌شوند و از این طریق بر همگرایی، اعتماد، توسعه و تنوع اکولوژیکی شهر و یا برعکس واگرایی، اختلاف، برخورد و عقب‌ماندگی شهر تأثیر می‌گذارند. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت نوع و سطح ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مهاجران (متأثر از پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد) تعیین‌کننده نوع تأثیرات آنها بر امنیت و توسعه پایدار شهری است. ویژگی‌های مثبت و زاینده پایداری توسعه شهر و امنیت سیاسی-اجتماعی را به ارمغان می‌آورد درحالی‌که گروه‌های با وضعیت اجتماعی و اقتصادی نامطلوب باعث بروز ناامنی، بی‌ثباتی، خاص‌گرایی، تعصب، برتری‌جویی و در نتیجه ناپایداری توسعه شهرها می‌شوند. به این دلیل است که جدایی فضایی-مکانی یکی از مباحث اصلی جامعه‌شناسی شهری است. این جدایی‌گزینی از تمرکز گروه‌های انسانی در مکان‌های مختلف شهری و در نتیجه عملکرد نیروهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به وجود

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)

می‌آید. اما آنچه که مهم است شناسایی پیامدها و اثرات این جدایی‌گزینی با بهره‌گیری از شاخص‌های مناسب می‌باشد (اعظم آزاده، ۱۳۸۲: ۲۶).

شهر عنبرآباد از زمانی که روستایی بزرگ بوده تا امروز همواره شاهد ورود مهاجران از شهرها، روستاهای اطراف و دیگر نواحی جغرافیایی کشور بوده‌است. این مهاجران ورود خود را به شهر عنبرآباد از سال‌های قبل از انقلاب شروع کردند و بعد از انقلاب نیز این مهاجرت‌ها ادامه داشت. عمده مهاجرانی که قبل از انقلاب وارد شهر عنبرآباد شدند از این، کرمان، دهبکری، یزد و اصفهان می‌باشند و عمده فعالیت آنها در امر بازار و فعالیت‌های مرتبط با زمین است به طوری که نظام مالکیت زمین‌داری در شهر متعلق به این مهاجران بوده و امروزه از عمده مالکان به‌شمار می‌روند. این گروه‌ها با برنامه‌ریزی پیشین وارد شهر شدند و سود و منافع اقتصادی را دنبال می‌کردند اما مهاجرانی که بعد از انقلاب شروع به مهاجرت کرده و هجوم آنها تا حال حاضر ادامه دارد از پیرامون شهر مانند جبالبارز شمالی و جنوبی و ساردوئیه بوده و یا ترک‌ها و نرماشیری‌ها هستند. بیشتر اینها ناگزیر به دلیل خشکسالی‌های اخیر وارد شهر شدند به طوری که امروز شاهد محله‌هایی در قسمت‌هایی از شهر به نام این اقوام هستیم. هر محله مهاجرانی از یک قوم را در خود جای داده‌است. لذا، در این پژوهش تلاش می‌شود تا به بررسی و ارزیابی تحولات اکولوژی اجتماعی در شهر عنبرآباد پرداخته شود چراکه با شناخت زوایای پنهان یک شهر می‌توان به آسیب‌شناسی اجتماعی آن کمک کرد و مبنایی برای برنامه‌ریزی فضایی و اجتماعی همراه با امنیت پایدار تهیه نمود.

بر مبنای بیان مسئله پرسش پژوهش چنین مطرح می‌شود: جدایی‌گزینی اکولوژیک در محله‌های شهر عنبرآباد چگونه است و چه تأثیری بر پایداری اجتماعی و امنیت پایدار محله‌های شهری دارد؟

پیشینه پژوهش

طی سال‌های اخیر پژوهش‌هایی درباره مهاجرت اقوام و اکولوژی اجتماعی در خارج و داخل کشور انجام شده‌است. در اینجا به خلاصه‌ای از نتایج برخی از این پژوهش‌ها خواهیم پرداخت.

آتش‌پور و محمدزاده (۱۳۷۶) به بررسی نقش مهاجرت در پیدایش انواع جرایم شهری پرداخته و به این نتیجه رسیدند که چون مهاجران به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی خود هستند حاضرند در شهر به هر کاری دست بزنند. عامل دیگر ناامنی در شهر و کنترل‌نداشتن خانواده مهاجران بر فرزندان خود می‌باشد. وی مسائل اجتماعی بسیاری را دلیل بر افزایش جرم و جنایت مهاجران در شهر می‌داند.

بابایی‌اقدم و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «اکولوژی ازدحام شهری در حواشی شهر تبریز» نتیجه گرفت که ازدحام جمعیت در مناطق مسکونی شهر تبریز متأثر از پایگاه اقتصادی شهروندان، فقدان نظام منطقه‌بندی و توزیع اصولی کاربری‌ها بوده و اثرات نامطلوب روحی برای شهروندان دارد.

نظریان (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی مهاجرت‌های قومی و تغییر ساختار اجتماعی شهرهای ایران پرداخته و به این نتیجه رسید که تحلیل فضایی مهاجرت‌های درون و برون شهرستانی و استانی حکایت از این نوع مهاجرت‌ها در مناطق قومی دارد. در این میان مهاجرت به مراکز استانی از همه چشمگیرتر است. ساختار اجتماعی شهرها بر توسعه و گسترش کالبدی شهرها مؤثر است.

افروخته و عبدلی (۱۳۸۸) به بررسی جدایی‌گزینی فضایی و ناپهنجاری اجتماعی بافت فرسوده شهر خرم‌آباد پرداخته و نتیجه گرفتند برخلاف وجود میراث فرهنگی بارزش در محله به دلیل فقدان بهسازی مناسب اقشار مرفه محله را ترک کردند و در عوض تمرکز اقشار با وضعیت اجتماعی-فرهنگی نامناسب ناپهنجاری‌های اجتماعی را افزایش داده‌است.

اعظم‌زاده (۱۳۸۸) به بررسی جدایی‌گزینی سکونتی در شهر تهران پرداخته و نتیجه گرفت که پایگاه اجتماعی خانواده‌ها سبب جدایی‌گزینی در شهر تهران است به طوری که شاید در یک منطقه خانواده‌های ناهمگن وجود داشته‌باشند اما تعداد آن‌ها بسیار اندک است.

مرصوصی و صائبی (۱۳۸۸) به بررسی و تحلیل جغرافیایی تأثیر جدایی‌گزینی اکولوژیک بر توسعه کالبدی شهر مشهد پرداخته و نتیجه گرفتند مهاجرت نقش مهمی در چگونگی توزیع فضایی گروه‌های اجتماعی و توسعه کالبدی شهر مشهد داشته‌است.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)

منشی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر شهر نورآباد ممسنی بر تحول الگوی جدایی‌گزینی در روستای پیرامون شهر پرداخته و نتیجه‌گرفتند در اثر تحولات صورت‌گرفته در جریان‌ات، روابط و مناسبات روستاهای مورد مطالعه با شهر نورآباد از یک‌سو تحولات جمعیت کالبدی و فضایی متأثر از ورود مهاجران و نیز نقش‌آفرینی سرمایه‌های شهری و از سوی دیگر الگوی جدایی‌گزینی با ریشه‌های قومی و قبیله‌ای به جدایی‌گزینی مبتنی بر وضعیت اقتصادی و معیشت رسیده است به‌نحوی که امروز در این منطقه استقرار واحدهای سکونتی بیشتر براساس وضعیت اقتصادی صاحبان آن انجام می‌شود و نقش پیوندهای قومی و قبیله‌ای در این زمینه به‌مراتب کم‌رنگ‌تر شده‌است.

مافی و همکاران (۱۳۹۱) نیز به بررسی ساخت اکولوژیکی شهر مشهد پرداخته و نتیجه گرفتند گروه‌های اجتماعی واردشده به شهر مشهد سبب شکل‌گیری و ساخت شهر مشهد به شکل دوایر متحدالمركز، ساخت قطاعی و ساخت چندهسته‌ای شده‌اند به‌طوری که این ساخت بیشترین انطباق را با ساخت چندهسته‌ای دارد.

پرستو پریور (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «بررسی کاربرد مدل‌های مفهومی رویکرد جدید اکولوژی شهری و کاربرد آنها در دستیابی به پایداری محیط‌زیست شهری» با استفاده از مفاهیم رویکرد جدید اکولوژی شهری رویه‌ای برای درک الگوها و فرایندهای شهری و پهنه‌بندی شهر برای بسط راهبردهایی با هدف افزایش پایداری در شهر به‌صورت مکان‌دار ارائه کرده‌است.

عمر شهاب‌دین^۱ (۲۰۱۴) به بررسی خشونت و قتل به‌دلیل تبعیض نژادی در رواندا پرداخته‌است و به این نتیجه رسیده‌است که برای جلوگیری از قتل باید به یک برنامه‌ریزی از پایین به بالا (غیرمتمركز و محلی) در جهت کاهش و از بین بردن تبعیض نژادی گام برداشت.

کیمبرلی^۲ (۲۰۱۴) به بررسی تنوع زبانی و هویت قومی با تأکید بر همبستگی اجتماعی پرداخت و نتیجه‌گرفت که استفاده از زبان واحد سبب بهبود در بافت شهری و همبستگی اجتماعی می‌شود.

- Omar shahbudin.

- kimberly.

مبانی نظری

مفهوم اکولوژی اجتماعی از اواخر قرن ۱۹ میلادی مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی قرار گرفت. دانشمندان علوم اجتماعی، به‌ویژه در جامعه‌شناسی شهری، با مقایسه گروه‌های مختلف اجتماعی با گونه‌های گیاهی و طبیعی در تحلیل اجتماعی خود و شناخت پدیده‌های شهری و ناحیه‌ای به‌طور گسترده از آن استفاده نمودند (مرصوصی و صائبی، ۱۳۸۸: ۷۵). دیدگاه اکولوژی اجتماعی به تحلیل وضعیت جدایی‌گزینی اکولوژیکی در محیط‌های شهری می‌پردازد. عمده دلایل این جدایی‌گزینی هجوم و توالی اکولوژیکی مهاجران روستایی به شهرها می‌باشد. هجوم و توالی اکولوژیکی در چهار مرحله نفوذ، هجوم، تثبیت و نهایتاً تراکم و توده‌شدن انجام می‌گیرد. چنین تحولاتی را می‌توان در غالب شهرهای بزرگ جهان سوم از جمله شهرهای ایران مشاهده نمود (بابایی اقدام، ۱۳۸۶: ۱۶۳).

در مرحله نخست جدایی‌گزینی ابتدا گروه انبوهی به‌دلایل اقتصادی، تجاری و... در بخش مرکزی شهر ساکن می‌شوند و بعد به تبعیت از انتقال سازمان‌ها و مؤسسات در سایر نقاط شهر ساکن می‌شوند. سیر هجوم مهاجران و وابسته‌بودن هرکدام از اقوام مهاجر به یک نژاد، زبان و فرهنگ عکس‌العمل‌هایی را ایجاد می‌کند که ناشی از هماهنگی یا ناموزونی محیط شهری یا مردم است. در پاره‌ای موارد این سیر مهاجرت سبب تجاوز مکانی از جانب یک گروه به محله سکونت گروه دیگر، که مشخصاتی جدا از گروه مهاجر دارند، رخ می‌دهد. طبقه کم‌درآمد به محل خانه طبقه پردرآمد منتقل می‌شوند که این امر واکنش گروه مرفه و همچنین مقاومت در برابر گروه مهاجر را به دنبال دارد و گاهی سبب وادار کردن مهاجران به ترک محله می‌شود. در مرحله توالی و تسلسل جایگزینی به‌صورت صددرصد انجام نمی‌شود و جمعیت از یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌شود و در آخرین مرحله نیز جریان زندگی مردم صورت عادی به خود می‌گیرد (مرصوصی، ۱۳۸۹: ۵۰-۵۱).

گروه مهاجر زمانی که به یک محله وارد می‌شود ممکن است در ابتدا تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تعصب نسبت به اقوام خود و... را داشته‌باشد و از طرف دیگر، شهروندان بومی نیز مهاجران را به‌عنوان شهروند بومی نشناسند اما بعد از چندین

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)

دهه، که تازگی و شدت جدایی‌گزینی اکولوژیک کاهش می‌یابد، مهاجران دیگر خود را به‌عنوان یک شهروند بومی می‌شناسند و تناقض‌ها و مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... فروکش کرده یا کمتر می‌شود.

در چند سال گذشته مکتب اکولوژی شهری شیکاگو بیش از دیگر مکتب‌ها بحث‌هایی را در جغرافیای شهری مطرح کرده‌است. بنیانگذاران مکتب شیکاگو معتقدند گروه‌های شهری با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی مانند گونه‌های گیاهی، با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژیک را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می‌کنند (شکویی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). دیدگاه کارکردگرایان به مسائل و تفاوت‌های اجتماعی نیز در قالب نظریه اکولوژیست‌ها مطرح شد. کارکردگرایان نابرابری را طرحی ناآگاهانه می‌دانند که از طریق آن جوامع مطمئن می‌شوند که مهمترین موقعیت‌ها به‌طور خودآگاه توسط شایسته‌ترین افراد اشغال خواهند شد. به عقیده رابرت پارک^۱ نیز فرایندهای طبیعی و درونی شهر به‌گونه‌ای بر رقابت بر سر منابع کمیاب باعث می‌شود که در نهایت به انطباق اکولوژیک بینجامد. رقابت در اجتماع برای ایجاد تعادل اجتماعی است. به تعبیر «پارک» تمایز یافتگی کارکردی به‌طور فضایی نیز تبلور پیدامی‌کند زیرا رقابت نه تنها باعث تقسیم‌کار می‌شود بلکه گروه‌های اقتصادی را به نواحی شهر پراکنده می‌کند (Afrough, ۱۹۹۸: pp ۲۰۲-۲۰۳). براساس نظر کمپین و اوزاکن نیز سه نظریه برای توضیح الگوی جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی وجود دارد. اولین نظریه به رهیافت اکولوژی انسانی اشاره دارد که شهر را به‌مثابه یک کلیت می‌نگرد و تغییر شهر را بر اثر رقابت برای فضا بررسی می‌کند. دومین نظریه بر تحلیل ناحیه اجتماعی و اکولوژی عاملی استوار است که الگوی فضایی و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی شهر را از طریق نقشه نمایش می‌دهد (spielman, ۲۰۰۸: ۱۲). این رهیافت ابعاد اصلی زندگی شهری یعنی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و قومیتی را دربرمی‌گیرد و توزیع فضایی آنها را از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی نمایش می‌دهد. سومین نظریه رهیافت رفتاری است که به جنبه‌های تقاضای بازار مسکن مانند ساختار جمعیت‌شناسی، سطح درآمد خانوار و دسترسی به اعتبارات بانکی و نرخ بهره توجه دارد (cadwalder, ۱۹۸۵: ۶۴). در بیشتر نواحی جغرافیایی؛ رفتارها، نگرش‌ها و عقاید اجتماعی - سیاسی مردم شهر تحت تأثیر

۱- Robert park.

شرایط محله مسکونی و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی به‌ویژه اکولوژی اجتماعی قرار می‌گیرد. چنان‌چه در امر انتخابات رأی مردم نیز از اوضاع خاص اجتماعی، اقتصادی فضای شهری تأثیری پذیرد (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

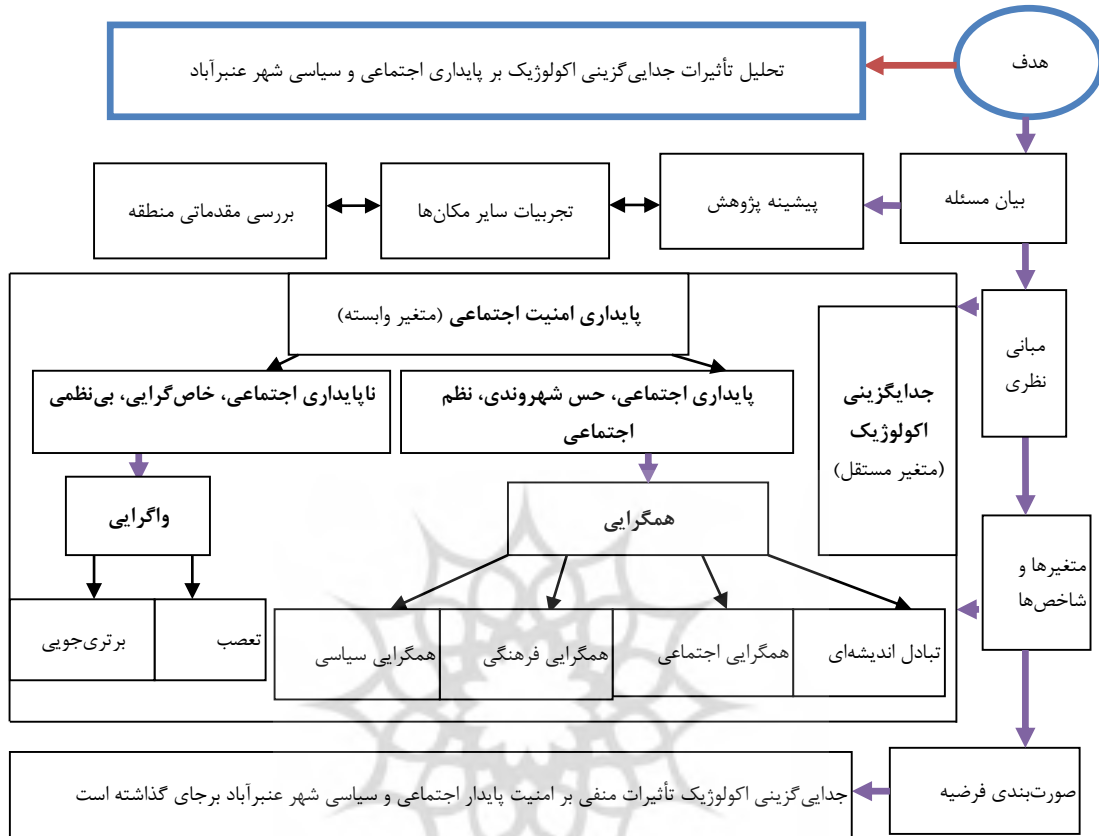
باتوجه به نظریه‌های مطرح‌شده می‌توان گفت جدایی‌گزینی قومی- نژادی در محلات شهری هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی دارد. از یک‌سو باعث همگرایی و یکپارچگی گروه‌های انسانی می‌شود و به تقویت ارتباطات مکانیکی و عمیق منجر می‌شود و از سوی دیگر، باعث تعصبات، اختلافات، تفکیک و مسائل محیطی و کالبدی در محلات شهری می‌شود. از سوی دیگر به‌علت روابط رسمی و گسترده‌تر در شهرهایی که دچار تراکم جمعیت هستند برخورد‌های نزدیک و صمیمانه محدود شده و برخورد‌های سطحی، موقت، محدود و غیرشخصی گسترش می‌یابد و رهایی از تسلط گروه‌های وابسته و نزدیک دست انسان را برای هر نوع عملی بازمی‌گذارد و به این ترتیب محیط شهری محیط ناامن و پراضطراب می‌شود. بنابراین، به‌علت عدم تجانس جمعیت، تقسیم‌کار در نظام طبقه‌ای وسیع ارزش‌ها و هنجارهای گروهی مختلفی را به‌وجود می‌آورد که به ستیز نقش‌های اجتماعی منجر می‌شود. به این ترتیب جدایی‌گزینی اجتماعی و قومی می‌تواند در بعضی شئون زندگی اجتماعی تأثیر منفی گذاشته و امکانات بیشتری برای بزهکاری و بروز جرایم فراهم آورد (آتش‌پور و همکار، ۱۳۷۶: ۳۲).

منشأ جدایی‌گزینی فضایی در کل به سه عرصه مختلف و مرتبط باهم برمی‌گردد: نظم اقتصادی یا ساختار اقتصادی، دولت و نظم ساختار سیاسی و عرصه زیستی و اجتماعی. در جوامعی که طبقات اجتماعی شکل‌گرفته‌اند نقش عرصه‌های اقتصادی در جدایی‌گزینی طبقاتی اساس بوده و تعیین‌کننده جهت و شدت رابطه عرصه‌های سه‌گانه است اما جوامعی که تمایز طبقاتی را پشت سر گذاشته‌اند منابع و فاصله اقتدار سیاسی دولت است که نقش اساسی در تحولات و جدایی‌گزینی‌های فضایی و دسترسی به منابع و فرصت‌های اقتصادی و شهری دارد (افروخته و عبدلی، ۱۳۸۸: ۵۶). امروزه درباره فرجام فرایند جدایی‌گزینی فضایی در شهرها دو نظریه مطرح است: نظریه همگون‌سازی فضایی معتقد است مکان‌یابی سکونتی گروه‌های مهاجر بیانگر سطح فرهنگ‌پذیری و تحرک اقتصادی آنهاست و پیش‌بینی می‌کند که افزایش درآمد گروه‌های اقلیت به

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)

کاهش میزان جدایی‌گزینی فضایی آنها منجر می‌شود. در مقابل، پیچ^۱ مدل نظری دیگری را با عنوان «مدل کثرت‌گرایی» معرفی می‌کند. براساس این نظریه جدایی‌گزینی فضایی گروه‌ها در طول زمان همواره بالا است (مشکینی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۸۸).

امروزه دیدگاه مبتنی بر توسعه پایدار اجتماعی نیز در زمینه اکولوژی اجتماعی و امنیت اجتماعی مطرح می‌باشد که معتقد است بازیگر اصلی در توسعه پایدار اجتماعی انسان و اجتماعات انسانی است. توسعه پایدار اجتماعی وقتی رخ می‌دهد که جوامعی همگن و همبسته ایجاد شود و در آن ساکنان شهر احساس شهروندی و وجود عدالت و برابری داشته باشند و شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی ترمیم‌گرد (کازمی محمدی و شکویی، ۱۳۸۱: ۳۲). این دیدگاه بر زمینه‌ها و ریشه‌های وقوع ناامنی و ناپایداری اجتماعی تأکید دارد. آنچه که امروزه به‌عنوان توسعه پایدار اجتماعی در جوامع انسانی شناخته می‌شود با شاخص‌هایی چون احساس بهتر بودن، کیفیت افراد و خانواده، نظام دوستی، انسجام، همکاری و همگرایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸). اگر رفتار شهروندان به سمت پایدار شهری سوق داده شود در این صورت دستیابی به یک شهر پایدار محقق خواهد شد (Danish Ministry of environment, ۲۰۰۷: ۷). به‌طوری‌که شهرهایی که برخوردار از پایداری اجتماعی هستند دارای یک بستر ایمن و فضای دموکراتیک می‌باشند ضمن این‌که شهروندان از کیفیت زندگی مناسب نیز لذت می‌برند (Rann, ۲۰۰۵: ۱). باتوجه به مطالب گفته شده می‌توان دریافت مهاجرت یکی از عوامل مهم تحولات اجتماعی و امنیتی شهرها محسوب می‌شود که می‌تواند همگرایی و یا برعکس واگرایی را در فضاهای شهری ایجاد کند. مهاجران با ورود به شهر مقصد محله‌ای را برای زندگی انتخاب می‌کنند که متأثر از پایگاه اجتماعی، اقتصادی و علقه‌های قومی آنها است. این انتخاب سبب شکل‌گیری گتوهایی در نقاط مختلف شهر می‌شود که نتیجه آن جدایی‌گزینی فضایی و اکولوژیک در شهرها است. این جدایی‌گزینی سبب تحولات و پیامدهای مثبت و منفی در بعد اجتماعی زندگی شهری می‌شود. باتوجه به وضعیت حاکم بر شهر عنبرآباد و برمبنای پیشینه مطالعاتی موضوع و مبانی نظری پژوهش می‌توان فرضیه تحقیق را چنین ارایه کرد: جدایی‌گزینی اکولوژیک در محله‌های شهر عنبرآباد حاکم است و تأثیرات منفی بر پایداری اجتماعی و امنیت پایدار محله‌های مسکونی شهر دارد.

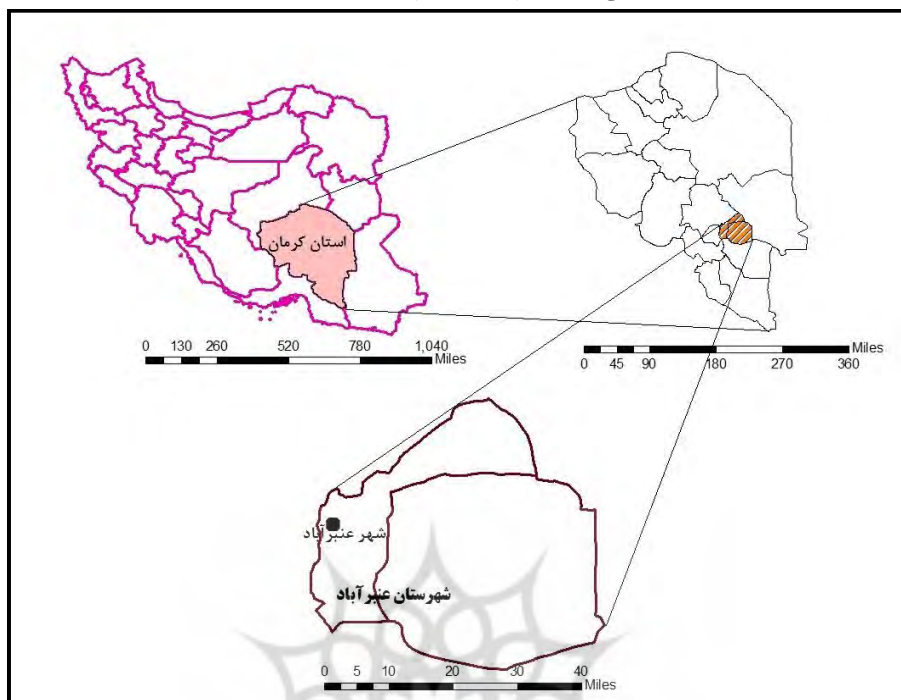


شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر عنبرآباد در محدوده ۳۰ دقیقه و ۵۷ درجه طول شرقی و ۲۸ دقیقه و ۴۵ درجه عرض شمالی قرار دارد (سالنامه آماری استان کرمان: ۱۳۸۷). این شهر در جنوب استان کرمان واقع شده و یکی از شهرهای جدید است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل به شهر شده است (طرح هادی عنبرآباد، ۱۳۸۳: ۲۸). براساس سرشماری ۱۳۹۰ جمعیت شهر عنبرآباد ۱۸۷۸۰ نفر می‌باشد.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)



نقشه (۱): موقعیت جغرافیایی شهر عنبرآباد
(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳)

روش تحقیق

نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و در آن از روش‌های کمی و کیفی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری ساکنان محله‌های مختلف شهر عنبرآباد می‌باشد. حجم جامعه نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۶ نفر تعیین شد. سهم هر محله با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای تعیین و درون هر محله به صورت تصادفی انتخاب شد. جدول شماره (۱) سهم هر محله را از جامعه نمونه نشان می‌دهد.

جدول (۱): جمعیت محله‌های مورد مطالعه و حجم جامعه نمونه

نام محله	شهرک خداآفرین	شهرک امام (ره)	شهرک ترک‌ها	محله افشارها	محله یزدی‌ها	محله ساردویی‌ها	محله نرماشیری‌ها
سهم از جامعه آماری (جمعیت)	۲۱۱۴	۲۳۵۰	۸۵۸	۶۶۸	۳۸۴	۹۵۴	۸۷۸
سهم از جامعه نمونه (درصد)	۲۵,۷۶	۲۸,۶۴	۱۰,۴۶	۸,۱۴	۴,۶۸	۱۱,۶۳	۱۰,۷۰
سهم از جامعه نمونه (نفر)	۹۹	۱۱۱	۴۰	۳۱	۱۹	۴۵	۴۱

داده‌های موردنیاز از طریق بررسی آمار سازمانی و میدانی با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده‌است. هنگام ارزیابی تأثیرات جدایی‌گزینی قومی و محله‌گرایی (متغیر مستقل) بر امنیت اجتماعی و پایداری اجتماعی (متغیر وابسته) می‌توان متغیر مستقل را با استفاده از محاسبه نرخ سکونت قوم غالب در هر محله (واحد سنجش: خانوار) عملیاتی کرد. همچنین، متغیر وابسته نیز به کمک ۲ شاخص کمی «میزان برخوردهای بین محله‌ای در ۵ سال اخیر» و «میزان جانبداری از نامزد محله‌ای» و همچنین به کمک ۶ شاخص کیفی (جدول شماره ۲) قابل عملیاتی شدن می‌باشد. بدین منظور از بطن مبانی نظری ۶ شاخص ارزیابی استخراج شد. جهت بعضی شاخص‌ها مثبت و جهت بعضی دیگر منفی است. سپس از طریق مطالعات میدانی داده‌های مربوط به شاخص‌ها جمع‌آوری شد.

جدول (۲): عملیاتی‌سازی متغیرها (معیارهای سنجش امنیت و پایداری اجتماعی)

قلمرو	معیارها	جهت	واحد سنجش
امنیت و پایداری اجتماعی (وابسته)	برتری جویی نسبت به سایر اقوام در شهر	-	طیف لیکرت
	همگرایی اندیشه‌ای	+	طیف لیکرت
	تعصب نسبت به اقوام خود	-	طیف لیکرت
	همگرایی فرهنگی	+	طیف لیکرت
	همگرایی اجتماعی	+	طیف لیکرت
	همگرایی و مشارکت سیاسی	+	طیف لیکرت

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳)

به منظور رتبه‌بندی تأثیرات جدایی‌گزینی در محلات شهر عنبرآباد از مدل کوپراس بهره گرفته شد. مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره^۱ مجموعه‌ای از روش‌هایی است که به تصمیم‌گیرندگان اجازه می‌دهد تا با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از معیارها، که اغلب متضاد

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)

هستند، به انتخاب، رتبه‌بندی، مرتب‌کردن و یا توصیف مجموعه‌ای از گزینه‌ها در فرایند تصمیم‌گیری پردازد (Chandra Daset al, ۲۰۰۵: ۲۳۴). هرکدام از این مدل‌ها دارای ویژگی‌های خاص و مزایا و معایبی است. استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره برحسب ماهیت شاخص‌ها (کمی و کیفی بودن و یا مثبت و منفی بودن آنها) می‌باشد (Cheng, ۲۰۰۵: ۵). همه مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره دارای سه گام به شرح زیر هستند:

- تعیین کردن گزینه‌ها و معیارهای مناسب؛
- اندازه‌گیری مقادیر اهمیت نسبی هر معیار و تأثیرات این گزینه‌ها بر روی معیارها؛
- محاسبه مقادیر عددی برای تعیین رتبه هر یک از گزینه‌ها (Kakalauskas et al, ۴۶۰: ۲۰۰۶).

برای تصمیم‌گیری‌های چندشاخصه مدل‌های بسیاری ارائه شده‌اند که هرکدام از آنها مزایا و محدودیت‌هایی دارند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷). مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه کوپراس نسبت به دیگر مدل‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه دارای ویژگی‌هایی است که عبارتند از: کاربرد این مدل در مقایسه با مدل‌های دیگر همچون AHP و TOPSSIS ساده‌تر است و نیاز به زمان کمتری برای محاسبات در مقایسه با این روش‌ها دارد، کوپراس می‌تواند رتبه‌بندی کاملی از گزینه‌ها ارائه دهد، این مدل قادر است هم از معیارهای کمی و هم از معیارهای کیفی برای محاسبه معیارها استفاده کند، کوپراس قابلیت محاسبه معیارهای مثبت (حداکثر) و معیارهای منفی (حداقل) را به‌طور جداگانه در فرایند ارزیابی دارد و ویژگی مهم دیگری که باعث برتری مدل تصمیم‌گیری کوپراس نسبت به سایر مدل‌های تصمیم‌گیری می‌شود این است که می‌تواند درجه اهمیت هر گزینه را تخمین بزند و آن را براساس درصد نشان دهد که تا چه اندازه یک گزینه بهتر یا بدتر است و از این لحاظ یک مقایسه کاملی را میان گزینه‌ها انجام دهد (Mulliner et al, ۲۰۱۲: ۵). گام‌های روش کوپراس به‌طور خلاصه در زیر آورده شده است:

گام اول: تشکیل ماتریس وضع موجود براساس معیارهای طراحی شده؛

گام دوم: محاسبه وزن هر یک از معیارها براساس یکی از روش‌های وزن‌دهی؛

گام سوم: نرمالیزه کردن ماتریس تصمیم‌گیری؛

$$d_{ij} = \frac{q_i}{\sum_{j=1}^n x_{ij}} x_{ij}$$

که در اینجا q_i وزن معیار i ام می‌باشد و x_{ij} مقدار هر گزینه به‌ازای هر معیار است.

گام چهارم: محاسبه مجموع وزن معیار نرمالیزه‌شده؛

جایگزین‌هایی^۱ که به‌وسیله معیارهای مثبت محاسبه می‌شوند S_j^+ و جایگزین‌هایی که به‌وسیله معیارهای منفی محاسبه می‌شوند S_j^- می‌گویند. مجموع S_j^+ و S_j^- براساس فرمول زیر محاسبه می‌شوند:

$$s_j^+ = \sum_{z_i=+} d_{ij} \qquad s_j^- = \sum_{z_i=-} d_{ij}$$

گام پنجم: رتبه‌بندی مقایسه‌ای جایگزین‌ها است که براساس معیارهای مثبت (+) و منفی (-) محاسبه می‌شود. اهمیت نسبی Q_j از هر جایگزین A_j طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$Q_j = S_j^+ + \frac{S_{min} \sum_j^n = 1 S_j^- x}{S_j^- \sum_j^n = 1 \frac{S_{min}}{S_j^-}} = S_j^+ + \frac{\sum_j^n = 1 S_j^-}{S_j^- \sum_j^n = 1 \frac{1}{S_j^-}} + \dots$$

گام ششم: اولویت‌بندی جایگزین‌ها براساس Q_j است که در این مرحله انجام می‌شود. هرچه مقدار Q_j بزرگتر باشد نشان‌دهنده رتبه بالاتر آن جایگزین در اولویت‌بندی است. جایگزین ایده‌آل همیشه بالاترین مقدار را دارد (KomarDey et al, ۲۰۱۱: ۵۷۱).

جایگزین‌هایی که بهترین وضعیت را به لحاظ معیارهای ۶گانه داشته‌اند با بالاترین نرخ (N_j) مشخص می‌شوند. مقدار N_j برای هر جایگزین براساس فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$N_j = \frac{Q_j}{Q_{max}} \times 100$$

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)
 Q امتیاز اولیه هر جایگزین است و Q_{max} بالاترین مقدار است که در واقع متعلق به
 جایگزین ایده‌آل می‌باشد (۳۲۲: ۲۰۱۱: antucheviciene et al).

یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی وضعیت جدایی‌گزینی اکولوژیک در محله‌های شهر عنبرآباد ابتدا به تحلیل ارتباط پراکنش قومی و پراکنش فضایی مردم در سطح محله‌های شهر اقدام شد. بدین منظور داده‌های قومیت برای محله‌های ۷ گانه از طریق تمام‌شماری خانوارها به دست آمد. نتایج حاصل در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): الگوی پراکنش قومی در محله‌های هفتگانه شهر عنبرآباد (سهم خانوارهای قوم غالب در هر محله)

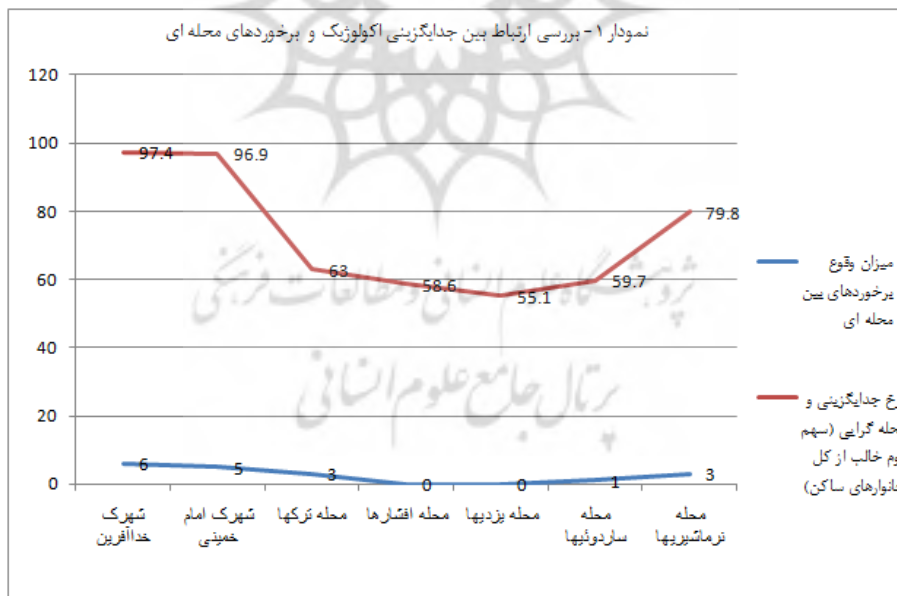
نام محله	شهرک خداآفرین	شهرک امام (ره)	محلۀ ترک‌ها	محلۀ افشارها	محلۀ یزدی‌ها	محلۀ ساردویی‌ها	محلۀ نرماشیری‌ها
کل خانوارهای ساکن	۳۱۲	۳۸۹	۱۰۸	۱۱۱	۷۸	۱۲۴	۱۰۴
تعداد خانوارهای قوم غالب در محله	۳۰۴	۳۷۷	۶۸	۶۵	۴۳	۷۴	۸۳
سهم قوم غالب از کل خانوارهای ساکن (درصد) یا نرخ جدایی‌گزینی اکولوژیک	۹۷٫۴	۹۶٫۹	۶۳٫۰	۵۸٫۶	۵۵٫۱	۵۹٫۷	۷۹٫۸

همچنین وضعیت دو شاخص امنیت پایدار اجتماعی و سیاسی طی ۵ سال اخیر، که بررسی آنها ممکن بود، در این ۷ محله بررسی شد: شاخص «میزان وقوع برخوردهای بین‌محله‌ای» که از طریق مصاحبه با بزرگان محلی محله‌های مزبور و تأیید طرفین به دست آمد. شاخص «میزان طرفداری از نامزدهای محلی در انتخاب شوراهای شهر» (به‌عنوان نمادگری از تعصب و جانبداری سیاسی) نیز با استفاده از آمار انتخابات شورای شهر (خرداد ۱۳۹۲) به دست آمد. جدول‌های (۳) و (۴) نتایج وضعیت اکولوژیک و محله‌گرایی، میزان وقوع برخوردهای بین‌محله‌ای و میزان طرفداری از نامزد محلی در انتخاب شورای شهر عنبرآباد را نشان می‌دهد.

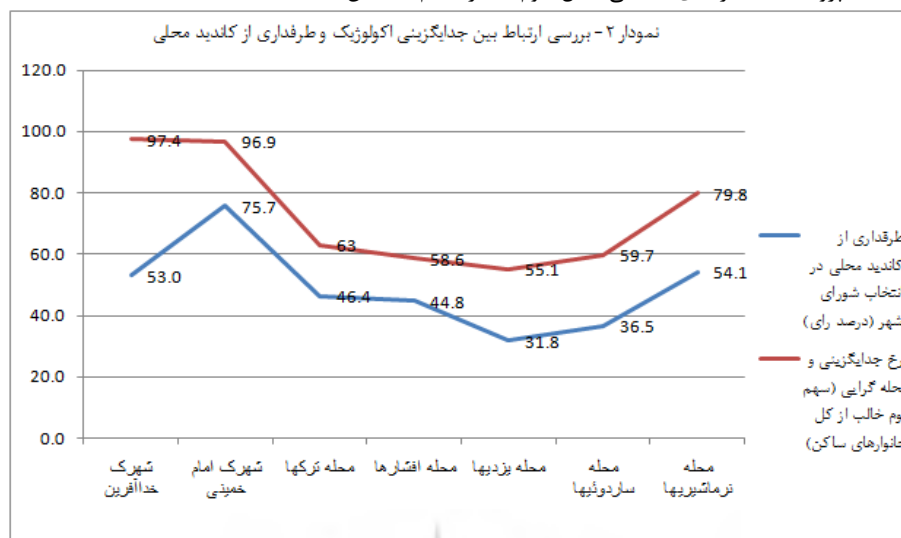
جدول (۴): نتایج میزان وقوع برخوردهای بین‌محله‌ای و میزان طرفداری از نامزد محلی در انتخاب شورای شهر

نام محله	شهرک خداآفرین	شهرک امام (ره)	محله ترک‌ها	محله افشارها	محله یزدی‌ها	محله ساردویی‌ها	محله نرماشیری‌ها
میزان وقوع برخورد بین-محله‌ای	۶	۵	۳	۰	۰	۱	۳
میزان طرفداری از نامزد محلی در انتخاب شورای شهر (تعداد رأی)	۷۸۵	۱۳۵۰	۴۵۵	۵۳۵	۴۰۰	۳۵۰	۴۶۰
طرفداری از نامزد محلی در انتخاب شورای شهر (درصد رأی)	۵۳,۰	۷۵,۷	۴۶,۴	۴۴,۸	۳۱,۸	۳۶,۵	۵۴,۱

همچنین، نمودارهای (۱) و (۲) ارتباط بین جدایی‌گزینی اکولوژیک را با موضوعاتی که امنیت پایدار اجتماعی و سیاسی را تهدید می‌کند، مانند برخوردهای محله‌ای و جانبداری‌های سیاسی، نشان می‌دهد. تحلیل این ارتباط نشان‌دهنده ارتباط مستقیم و مثبت بین افزایش جدایی‌گزینی اکولوژیک و دو موضوع برخوردهای محله‌ای (نمودار شماره ۱) و جانبداری سیاسی (نمودار شماره ۲) است.



پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)



یافته‌های حاصل از مدل کوپراس برای سنجش وضعیت پایداری اجتماعی در محله‌های هفت‌گانه

در گام اول براساس معیارهای ارزیابی (جدول‌های ۲ و ۶) داده‌های جمع‌آوری شده و سپس با ترکیب و محاسبه میانگین آنها ماتریس وضع موجود تشکیل شد (جدول ۵).

جدول (۵): ماتریس وضع موجود

شاخص‌ها محله‌ها	X_1	X_2	X_3	X_4	X_5	X_6
شهرک امام (ره)	۳,۹۷	۴,۴۲	۲,۱۷	۴,۹۰	۳,۱۴	۴,۱۵
محله ترکها	۴,۱۲	۲,۱۲	۳,۳۴	۲,۲۱	۴,۶۶	۲,۲۱
شهرک خداآفرین	۳,۲۱	۳,۱۴	۲,۵۳	۲,۴۳	۳,۰۴	۲,۹۹
محله سردوییها	۳,۶۰	۳,۵۷	۳,۱۰	۲,۸۸	۳,۸۸	۲,۲۲
محله زرماشیریها	۳,۶۸	۲,۳۲	۳,۰۷	۲,۹۸	۳,۴۱	۱,۶۵
محله افشارها	۳,۶۶	۳,۸	۳,۲۸	۳,۲۲	۳,۵۱	۲,۲۱
محله یزدیها	۴,۵۷	۲,۱۲	۳,۰۸	۱,۱۲	۴,۴۲	۱,۱۴

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳)

در گام دوم وزن‌دهی به معیارها انجام شد. برای این کار روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) برای تعیین هر شاخص به‌کاررفت. وزن‌دهی به شاخص‌ها توسط ۱۰ کارشناس علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان انجام شد که در چارچوب روش

تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و در محیط نرم‌افزار Expert Choice تحلیل و وزن نهایی (جدول ۶) محاسبه شد.

جدول (۶): وزن معیار به دست آمده از طریق مدل AHP

ردیف	معیار	Z	علامت اختصاری شاخص	وزن
۱	برتری جویی نسبت به سایر اقوام	-	X _۱	۰,۰۷۳
۲	همگرایی اندیشه‌ای	+	X _۲	۰,۱۱۴
۳	تعصب نسبت به اقوام خود	-	X _۳	۰,۰۹۷
۴	همگرایی فرهنگی	+	X _۴	۰,۱۶۳
۵	همگرایی اجتماعی	+	X _۵	۰,۲۴۳
۶	همگرایی سیاسی	+	X _۶	۰,۳۱

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳)

گام سوم: نرمالیزه کردن ماتریس وضع موجود بر اساس رابطه: $d_{ij} = \frac{q_i}{\sum_{j=1}^n x_{ij}} x_{ij}$

q_i برابر است با وزن هر معیار و $\sum X_{ij}$ برابر است با مجموع معیارها برای هر گزینه. برای مثال عدد نرمالیزه شده برای شهرک امام (ره) در شاخص X_۱ به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$d_{ij} = \left(\frac{۰/۰۷۳}{۳/۹۷ + ۴/۴۲ + ۲/۱۷ + ۴/۹۰ + ۳/۱۴ + ۴/۱۵} \right) \times ۳/۹۷$$

جدول (۷): ماتریس نرمالیزه شده

X _۶	X _۵	X _۴	X _۳	X _۲	X _۱	محله
۰,۰۱۸	۰,۰۱۳	۰,۰۲۴	۰,۰۱۷	۰,۰۴۹	۰,۰۴۵	شهرک امام (ره)
۰,۰۰۹	۰,۰۲۰	۰,۰۱۰	۰,۰۲۶	۰,۰۲۳	۰,۰۴۷	محله ترک‌ها
۰,۰۱۳	۰,۰۱۳	۰,۰۱۱	۰,۰۲۰	۰,۰۳۵	۰,۰۳۷	شهرک خداآفرین
۰,۰۰۹	۰,۰۱۶	۰,۰۱۴	۰,۰۲۴	۰,۰۴۰	۰,۰۴۱	محله ساردویی‌ها
۰,۰۰۷	۰,۰۱۴	۰,۰۱۴	۰,۰۲۴	۰,۰۲۶	۰,۰۴۲	محله زماشیری‌ها
۰,۰۰۹	۰,۰۱۵	۰,۰۱۵	۰,۰۲۵	۰,۰۴۲	۰,۰۴۲	محله افشارها
۰,۰۰۵	۰,۰۱۹	۰,۰۰۵	۰,۰۲۴	۰,۰۲۳	۰,۰۵۲	محله یزدی‌ها

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳)

گام چهارم: محاسبه S_j⁺ و S_j⁻ می‌باشد. بدین منظور برای هر گزینه شاخص‌های مثبت و منفی را جداگانه محاسبه می‌کنیم. برای مثال شاخص‌های شهرک امام (ره) به شرح ذیل می‌باشد:

$$S_j^- = ۰/۱۸ + ۰/۰۲۴ = ۰/۰۴۲$$

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)

$$S_j^+ = 0/0.45 + 0/0.49 + 0/0.17 + 0/0.13 = 0/1.26$$

جدول (۸): محاسبه مجموع معیارهای مثبت و معیارهای منفی

sj+	sj-
۰,۱۲۶	۰,۰۴۲
۰,۱۱۸	۰,۰۲۰
۰,۱۰۵	۰,۰۲۵
۰,۱۲۳	۰,۰۲۳
۰,۱۰۸	۰,۰۲۱
۰,۱۲۶	۰,۰۲۵
۰,۱۲۰	۰,۰۱۰
۰,۸۳	۰,۱۷

گام پنجم: محاسبه Q_j یا رتبه نسبی

بر اساس مجموع معیارهای مثبت و منفی از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$Q_j = S_j^+ + \frac{S_{-min} \sum_j^n = 1 S_j^- x}{S_j^- \sum_j^n = 1 \frac{S_{-min}}{S_j^-}} = S_j^+ + \frac{\sum_j^n = 1 S_j^-}{S_j^- \sum_j^n = 1 \frac{1}{S_j^-}} + \dots$$

جدول (۹): ارزیابی مقدار Q_j

اولویت	امتیاز	نام محله
۳	۰,۱۳۸	شهرک امام (ره)
۴	۰,۱۴۳	محله ترک‌ها
۱	۰,۱۲۶	شهرک خداآفرین
۵	۰,۱۴۴	محله ساردویی‌ها
۲	۰,۱۳۱	محله نرماشیری‌ها
۶	۰,۱۴۶	محله افشارها
۷	۰,۱۶۹	محله یزدی‌ها

(مأخذ: نگارندگان ۱۳۹۳)

گام ششم: مرحله نهایی مشخص کردن جایگزینی است که بیشترین تحولات را دارد.

$$NJ = \frac{Q_j}{Q_{max}} \times 100$$

هرچقدر مقدار Q_j یک گزینه بالاتر باشد قاعدتاً مقدار N_j آن نیز بالاتر است. این مقدار به صورت درصد بیان می‌شود. برای مثال مقدار N_j شهرک امام(ره) براساس رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$N_j = \frac{0.138}{0.169} \times 100 = 81/65$$

رتبه‌بندی براساس مقدار Q_j صورت می‌گیرد یعنی محله‌هایی که دارای بالاترین مقدار Q_j و N_j باشند کمترین پایداری اجتماعی و سیاسی را داشته‌اند. همان‌گونه که جدول شماره (۱۰) نشان می‌دهد محله یزدی‌ها بهترین و محله شهرک خداآفرین بدترین وضعیت را به لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی و... دارند.

جدول (۱۰): نتایج ارزیابی مدل کوپراس

رتبه	$N_{j(i)}$	Q_j	S_j^-	S_j^+	گزینه‌ها
۳	۸۱,۶۵	۰,۱۳۸	۰,۰۴۲	۰,۱۲۶	شهرک امام(ره)
۴	۸۴,۶۱	۰,۱۴۳	۰,۰۲۰	۰,۱۱۸	محله ترک‌ها
۱	۷۴,۵۵	۰,۱۲۶	۰,۰۲۵	۰,۱۰۵	شهرک خداآفرین
۵	۸۵,۲۰	۰,۱۴۴	۰,۰۲۳	۰,۱۲۳	محله ساردویی‌ها
۲	۷۷,۵۱	۰,۱۳۱	۰,۰۲۱۹	۰,۱۰۸	محله نرماشیری‌ها
۶	۸۶,۳۹	۰,۱۴۶	۰,۰۲۵	۰,۱۲۶	محله افشارها
۷	۱۰۰	۰,۱۶۹	۰,۰۱۰	۰,۱۲۰	محله یزدی‌ها

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۳)

نتیجه‌گیری

در راستای آزمون فرضیه پژوهش مبنی بر «جدایی‌گزینی اکولوژیک در محله‌های شهر عنبرآباد حاکم است و تأثیرات منفی بر پایداری اجتماعی و امنیت پایدار محله‌های مسکونی این شهر دارد» به بررسی وضعیت جدایی‌گزینی و محله‌گرایی و تأثیرات آن بر امنیت پایدار اجتماعی محله‌ها شهر اقدام شد. طبق بنیان‌های اندیشه‌ای با دو رویکرد می‌توان به بررسی امنیت پایدار اجتماعی پرداخت. در رویکرد اثبات‌گرا عمدتاً تأکید بر نمودها و شاخص‌های ظاهری امنیت اجتماعی است که با شاخص‌هایی چون وقوع درگیری، برخورد محله‌ای، جنایت، قتل، تعصب در مسائل سیاسی مانند انتخابات و... ارزیابی می‌شود.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)

رویکرد دوم، که رویکردی رادیکالی است، عمدتاً بر ریشه‌ها و زمینه‌های وقوع ناپایداری امنیت اجتماعی - سیاسی تأکید دارد. چنین رویکردی همگرایی، تعامل و مشارکت مدنی را معادل پایداری و واگرایی، تعصبات و برتری‌جویی را معادل ناپایداری امنیت اجتماعی می‌داند. امروزه اعتقاد بر این است که برای تعدیل اثرات هر پدیده و رفع مسائل باید زمینه‌ها و ریشه‌های شکل‌گیری آن را شناخت. لذا، رویکرد دوم که در چارچوب توسعه پایدار اجتماعی و سیاسی مطرح است علاوه بر شاخص‌های برخورد‌های محله‌ای و تعصبات سیاسی بر شاخص‌های کیفی امنیت پایدار اجتماعی تأکید بیشتری دارد. بر مبنای بنیان اندیشه‌ای یادشده و به کمک روش‌شناسی تحلیلی نتایج پژوهش نشان‌داد محله‌های شهرک خداآفرین، شهرک امام(ره)، نماشیری‌ها و ترک‌ها به‌ترتیب بیشترین نرخ جدایی‌گزینی را دارند. همین محله‌ها نیز بیشترین میزان برخورد بین‌محله‌ای را داشته و بیشترین جانبداری‌های سیاسی را از نامزد محله‌ای خود داشته‌اند.

برای اولویت‌بندی محله‌های ۷گانه شهر عنبرآباد برحسب شاخص‌های کیفی ۶گانه پایداری اجتماعی (برتری‌جویی نسبت به سایر اقوام، همگرایی اجتماعی، همگرایی اندیشه‌ای، تعصب نسبت به اقوام محله خود نسبت به سایر محله‌ها، همگرایی سیاسی و همگرایی فرهنگی) از مدل کوپراس استفاده شد. نتایج نشان‌داد شهرک خداآفرین بدترین وضعیت را به‌لحاظ شاخص‌های مذکور داشته و محله نماشیری‌ها و شهرک امام(ره) در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند. محله یزدی‌ها، افشارها و ساردویی‌ها به‌ترتیب مطلوب‌ترین وضعیت را نشان می‌دهند. همچنین، نتایج مربوط به شاخص‌های منفی پایداری اجتماعی محله‌ها نشان‌داد بیشترین مقدار مربوط به شهرک امام(ره) با اندازه شاخص‌های برتری‌جویی (۰,۰۱۸) و تعصب (۰,۰۲۴) می‌باشد به‌طوری‌که در همین شاخص‌ها ناپایداری در محله یزدی‌ها در سطح بسیار پایینی (۰,۰۰۵) قرار دارد. بنابراین، با توجه به نتایج یافته‌ها می‌توان فرضیه پژوهش را تأیید کرد و چنین نتیجه‌گرفت که مسئله جدایی‌گزینی اکولوژیک در محله‌های شهر عنبرآباد تأثیرات منفی بر پایداری اجتماعی و امنیت پایدار محله‌های مسکونی این شهر دارد.

نخستین مهاجران شهر عنبرآباد یزدی‌ها و افشارها بودند. این گروه‌ها اولاً پایگاه اقتصادی - اجتماعی مناسبی داشتند و به‌دلیل برخورداری از وضعیت مالی مناسب با هدف خرید و مالکیت زمین و همچنین فعالیت‌های بازاری، صنایع و گلخانه به عنبرآباد

مهاجرت کرده و در این امور مشغول هستند. ضمن این‌که طی زمان در محله‌های مختلف شهر جابه‌جا شده و یا از اقوام دیگر به محله خود پذیرفته‌اند. بنابراین، جدایی‌گزینی اکولوژیک و محله‌گرایی و مسائل ناشی از آن در این محله‌ها در حال کاهش و رفع شدن است. برعکس، محله‌های شهرک امام(ره) و خداآفرین محله‌هایی به-نسبت جدید هستند که بر اثر هجوم گروه‌های با پایگاه اقتصادی ضعیف و در پی خشکسالی‌های دهه اخیر ایجاد شده و در حال گسترش هستند.

پیشنهادهای

برخی پیشنهادهای عملی برای بهبود وضعیت اکولوژیکی و امنیت پایدار شهر عنبرآباد به شرح ذیل می‌باشد:

- ممانعت از واگذاری زمین به مهاجران در مجاورت گتوهای شهرک خداآفرین و ساماندهی خانه‌های نامنظم و گتویی ایجاد شده توسط مهاجران ناشی از خشکسالی؛
- کنترل مالکیت و کاربری زمین به‌ویژه در محله خداآفرین در راستای ممانعت از توسعه گتوها؛
- برگزاری جلسات، همایش‌ها و مراسم فرهنگی و اجتماعی توسط نهادهای فرهنگی به مناسبت‌های مختلف که فرصتی برای حضور عمومی و افزایش ارتباط و همگرایی مردم ایجاد کند؛
- تهیه برنامه‌های رسانه‌ای، بروشور و... برای ارتقای حس شهروندی و یکپارچگی در ذهن مردم؛
- ساماندهی بافت فرسوده، قدیمی و مخروبه در محله نرماشیری‌ها؛
- هماهنگی بیشتر دستگاه‌های امنیتی، قضایی و شهرداری در کنترل و نظارت بر درون‌کوچی به شهر عنبرآباد به‌ویژه در دوران خشکسالی و در بخش‌های حاشیه‌ای و اراضی کشاورزی مجاور شهر.

منابع

- آتش پور، حمید؛ محمدزاده، تورج (۱۳۷۶)، مهاجرین و جرم: نقش مهاجرت در پیدایش انواع جرائم، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۳۳.
- اعظم آزاده، منصور (۱۳۸۲)، چگونگی جدایی‌گزینی سکونتی در شهر تهران، علوم انسانی، شماره‌های ۴۴-۴۵.
- افروخته، حسن؛ عبدلی، اصغر (۱۳۸۸)، جدایی‌گزینی فضایی و ناپهنجاری اجتماعی بافت فرسوده، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۱۳.
- بابایی‌اقدم، فریدون؛ حسین‌زاده‌دلیر، کریم، صدرموسوی، میرشاد (۱۳۸۶)، اکولوژی و ازدحام شهری در حواشی شهر تبریز، فصلنامه جغرافیا و توسعه، صص ۱۸۰-۱۶۱.
- پریور، پرستو (۱۳۹۲)، بررسی کاربرد مدل‌های مفهومی: رویکرد جدید اکولوژی شهری و کاربرد آنها در دستیابی به پایداری محیط‌زیست شهری، دوماهنامه شهرنگار، شماره‌های ۶۴ و ۶۵، صص ۴۹-۴۸.
- پورطاهری، مهدی (۱۳۸۹)، کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا، تهران: انتشارات سمت.
- شکویی، حسین (۱۳۹۰)، دیدگاه‌های نو در جغرافیا شهری، تهران: انتشارات سمت.
- فتاحی، احد؛ بیات، ناصر؛ امیری، علی؛ نعمتی، رضا (۱۳۹۲)، سنجش پایداری اجتماعی مناطق روستایی شهرستان دلفان با مدل ویکور، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۱.
- محمدی ده‌چشمه، مصطفی (۱۳۹۱)، نگرشی بر مکتب شیکاگو در مطالعات شهری، فصلنامه سپهر.
- محمدی ده‌چشمه، مصطفی (۱۳۹۱)، ناپایداری اجتماعی در بوم‌شهر ایران و آثار جمعیت آن، فصلنامه معرفت و فرهنگ اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱.
- مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۸)، اصول برنامه‌ریزی مجتمع‌های زیستی، جزوه درسی دانشگاه پیام نور.
- مرصوصی، نفیسه؛ صائبی، محمدحسین (۱۳۸۸)، تحلیل جغرافیایی تأثیر اکولوژی اجتماعی بر توسعه کالبدی شهر، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- مشکینی، ابوالفضل؛ رحیمی، حجت‌الله (۱۳۹۰)، جدایی‌گزینی فضایی در مادرشهرها: تحلیلی بر جغرافیای اجتماعی، فصلنامه مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش و فضا، شماره ۴.
- موسوی کاظمی، سیدمهدی؛ شکویی، حسین (۱۳۸۱)، سنجش پایداری اجتماعی توسعه شهر قم، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳.

- نجف‌زاده، علی (۱۳۹۰)، پژوهشی درباره اقوام، اقلیت‌ها و مهاجرین ساکن شهر مشهد، فصلنامه مشهد پژوهی، سال سوم.
- نظریان، اصغر (۱۳۸۸)، مهاجرت قومی و تغییر ساختار اجتماعی شهرهای ایران، آمایش محیط، شماره ۶.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۸۴)، تأملی در مقوله شکل‌گیری شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه تاریخ ایران، فصلنامه فرهنگ، شماره ۵۶.
- Alan walks and Larry S. Bourne (۲۰۰۶), Ghettos in Canada s cities? racial segregation, ethnic enclaves and Poverty Concentration in Canadian. Canadian Geographer, no ۵۰, ۲۷۲-۲۹۷.
- Antuchviciene, J.Zakarevius, A.Zavasdkas, E.K; (۲۰۱۱); Measuring Congruence of Ranking Results Applying Particular MCDM Methods.
- Boal. F. w urban ethnic segregation and the scenarios spectrum in Desegregating the city: Ghettos, enclavaes and Inequality, ed D .p. varady (Albani, ny: state University of new York press), pp ۶۲-۷۸.
- Cadwalder, m.T (۱۹۸۵), Analytical urban geography spatial pat evens and theories new jersey: prentice- hall publication.
- Chandra Das. M, Sarkar.B&Ray.S (۲۰۱۲). A framework to measure relative performance of Indian technical institutions using integrated fuzzy AHP and COPRAS methodology, Socio- Economic Planning Sciences ۴۶ (۲۰۱۲)۲۳۰-۲۴۱.
- Cheng,K. and Yam,S.(۲۰۰۰), Development of a Fuzzy Multi- criteria Decision Support System for Waste Management, university of Region, Saskatchewan.
- Danish ministry of the environment,(۲۰۰۷)Copenhagen. Agenda for sustain able city governance, Denmark, p:۷.
- Kakalocas,N.(۲۰۰۹), Performance evaluation of Turkish cement firms with fuzzy analytic hierarchy process and TOPSIS methods, expert systems with Applications, pp ۷۰۲-۷۱۵.
- Kimberly A. Noels (۲۰۱۴) Language variation and ethnic identity: A social psychological perspective. Volume ۳۵, March ۲۰۱۴, Pages ۸۸° ۹۶.
- Kumar Dey, P, NathGhosh, D. Chand Mondal, A; (۲۰۱۱); A MCDMA pproach for Evaluating Bowlers Performance in IPL; Journal of Emerging Trends in Computing and Information Sciences, VOL. ۲, NO. ۱۱, November ۲۰۱۱.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال سوم، شماره دهم، تابستان ۱۳۹۴)

- Mulliner, E.Smallbone, K&Vida,M.(۲۰۱۲). An assessment of sustainable housing affordability using multiple criteria decision making method, Omega the international Journal of Management Science.p,۱-۱۰. ۲۶-۲۷.
- Omar Shahabudin McDoom (۲۰۱۴) Predicting violence within genocide: A model of elite competition and ethnic segregation from Rwanda. Political Geography, Volume ۴۲, September ۲۰۱۴, Pages ۳۴° ۴۵.
- Peach , c. ۱۹۹۶ Does Britain have ghettos? Transactions of the Institute of British Geographers ۲۱(۲) ۲۱۶- ۲۳۵.
- Phillpott, t,l ۱۹۷۸ the slum and the ghetto: Neighborhood Deterioration and middle class reform, Chicago ۱۸۸۰-۱۹۳۰ (New York: oxford university press).
- Raan, mike and Michael Harbison(۲۰۰۵) social sustainability partnership agreement between the Adelaide city council and the state government of south Australian, the Adelaide city council,p:۱.
- Spailman,s.E.A.j. Thill, social area analysis, data mining and GIS Environment and urban system, ۳۲pp۱۱۰-۱۲۲, ۲۰۰۸.
- Urban eco. Downloaded from urban ecology: <http://www.Urbaneco.org>.
- Walter C. Clemens Jr. (۲۰۱۰) Ethnic peace, ethnic conflict: Complexity theory on why the Baltic is not the Balkans Studies Volume, September ۲۰۱۰, PP ۲۴۵° ۲۶۱.